( 105 )

هو الابهی

ای پروردگار آمرزگار در این کور اعظمت چه خوان نعمتی بگستردی و چه ابواب رحمتی بگشادی و چه فضل و موهبتی بنمودی که هر ذلیلی را بر سریر عزت نشاندی و هر فقیریرا بگنج روان دلالت فرمودی هر لب تشنه‌ئی را در بحر بی‌پایان افکندی و هر افسرده‌ئی را بنار محبتت افروختی زنگی را رخی پر آب و رنگ عنایت نمودی سیاهی را روشنی ماه دادی کنیزی را بین امآء موقنات شیرین نمودی تلخی را انگبین کردی ظلمتی را نورانی نمودی خاریرا گلزار کردی اسیریرا بانوی هر امیر نمودی پس ای یار مهربان این کنیز را در ملکوت رحمتت نورانگیز کن و این امه‌اترا در جوار موهبتت منزل و مأوی بخش غبطه پرده نشینان سراپرده عزت کن و محسود بانوهای قباب سلطنت و البهآء علیها (ع ع)